

اطمینان در مجال تضییق و در مجال توسعه

گفته شد: در بخش داوری و تعیین محکوم علیه، نباید به صرف حالت سوم اعتماد کرد؛ مگر این که برخاسته از اماره قانونی باشد که در این صورت هم اعتماد بر اماره است نه بر اطمینان برخاسته از آن. واضح است که این گفته – چنان که از خود تعبیر آشکار است – در بخش تضییقات قضا و تعیین محکوم علیه است و الا در بخش توسیعات و ترخیصات بر وی به ویژه در قسمت مرتبط با تعزیرات مجال برای محور قرار دادن حالت سوم، واسع است.

به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 ماده 24 آمده است:

«چنان چه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادر کننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول، مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد؛ و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می کند همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای احکام در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی وی اقدام کند».

در صدر این ماده، تضییقی است بر محکومی که مفاد حکم را رعایت نکرده است و ظاهر ماده این است که این عدم رعایت باید برای قاضی ثابت شود (یا اماره قانونی آن را گزارش دهد) و در ذیل ماده توسیعی است بر او. در این جا است که قانون گذار معیار توسعه را اطمینان وی قرار داده است؛ در این جا است که قانون گذار معیار توسعه را اطمینان وی قرار داده است؛ هر چند به مرز علم نرسد یا اماره ای خاص و قانونی آن را گزارش نکرده باشد.

تمرین فقهی / اطمینان / نظر کارشناس / مورد قصاص

گفتگو از اطمینان و ساحت های آن بقدری مهم و گسترده است که نمی توان به راحتی از آن خارج شد، هر چند خواسته باشیم اطراف آن را سریع تر جمع کنیم . به هر روی به قصد روشن شدن برخی نکات، به تمرین ذیل توجه کنید:

«مساله 5 – لو انکر الجانی ذهاب سمع المجنی علیه او قال: لا اعلم صدقه، اعتبرت حاله عند الصوت العظيم والرعد القوی و صبح به بعد استغفاله؛ فان تحقق ما ادعاه اعطى الدية و يمكن الرجوع الى الحذاق و المتخصصین فی السمع مع الثقة بهم. و الاحوط التعدد و العدالة و ان لم يظهر الحال احلف القسامة و حکم له»¹.

در تعلیق بر متن ذیل آمده: «...والظاهر ان المراد بالوثوق هو الاطمئنان و حیث انه يقوم مقام العلم عند العقلاء فلا وجه للتعدد و العدالة، نعم مع عدم الاطمئنان مقتضى الاحتياط ذلك»².

مطابق تحقیقی که گذشت، برخی ملاحظات بر متن فوق و تعلیق بر آن روشن است.

1. تفصیل الشریعة، الدیات، متن ص 227.

2. همان، پاورقی.

اولاً، نمی توان به راحتی پذیرفت که «انه یقوم مقام العلم عند العقلاء و شارع مقدس هم آن را امضا کرده است»؛ آیا این ادعا مستند به کار میدانی است که عقلاً حتی در مقام قضاوت علیه دیگران - و حتی در وقتی که رجوع به راهی اسد و اوثق وجود دارد - ، به اطمینان عمل می کنند؟

ثانیاً، اعتبار عدالت - با توجه به معنایی که ماتن از آن اراده کرده است - در کنار وثوق و اطمینان کالحجر الی جنب الانسان است؛ قهراً برای تردید در این باره و احتیاط، وجهی موجّه و موجّه وجود ندارد؛ بر همین وزان است اعتبار تعدد و (شاید) جنسیت خاص (مذکر بودن) که ماتن در برخی مواضع دیگر به آن اشاره کرده است. فتامل.

نظر کارشناس، آزمایشات تجربی و اطمینان

اطمینان مورد گفتگو چه معتبر باشد یا نه، این بحث وجود دارد که حدود اماره قانونی در شهادت و نظر کارشناسی و آزمایش ها تا کجا است؟ این را نمی توان انکار کرد که اعتبار امارات قانونی مشروط به اطمینان نیست لکن سخن در مصادیق امارات قانونی است؛ مثلاً عقلاء - حداقل در وقت عدم امکان تحصیل راه بهتر - به نظر کارشناس یا آزمایشات در عموم دعاوی حقوقی اعتماد می کنند؛ هر چند نتوان در دعاوی کیفری به ویژه وقتی شاکی و مدعی خصوصی وجود ندارد، این را ادعا کرد؛ در این جا است که مجال گفتگو برای تشخیص امارات قانونی از غیر آن باز می شود. نوع فقهای معاصر در مورد اعتبار نظر کارشناس، نظیر کارشناس انگشت نگاری و پزشک قانونی - حداقل در مورد زنا - موضع سلب دارند و حصول یقین را شرط دانسته اند؟! لکن در غیر آن بیان ها و احد نیست؛ به عنوان نمونه به سوال و جواب ذیل توجه کنید:

سوال:

«در متون فقهی و در کتاب دیات، در مواردی ارجاع امر به کارشناس شده و یا امتحان، آزمایش و اختبار حال مصدوم پیش بینی شده است... در خصوص موارد فوق آیا نظر کارشناس، به عنوان شهادت تلقی شده است یا خود، دلیل اثبات مستقلی است؟».

جواب:

1. در مواردی که دیه معین است، در آن موارد، قاضی باید علم به موضوع پیدا کند یا به شهادت دو شاهد عادل، ثابت شود و اگر موارد ارش باشد باید از نظر [اهل] خبره برای قاضی جامع الشرائط وثوق حاصل شود و لو آن که به تعدد خبره باشد.
2. در فرض سؤال، نظر آنان، دلیل اثبات مستقلی نمی باشد.
3. نظر کارشناس به عنوان قول اهل خبره پذیرفته می شود.
4. اگر یقین برای قاضی نیآورد، به عنوان شهادت است که عدالت و تعدد در آن معتبر است.
5. اگر موجب اطمینان شود، کفایت می کند.
6. موارد مختلف است...